

مطالعه بخشی از یافته های باستان شناسی مرتبط با هنر دوره هخامنشیان در مصر

رحیم ولایتی*

Study of archaeological Findings Related to the Art, Achaemenid Period in Egyptian

Rahim velayati* Ph.D

Abstract

The literature of the present study is so huge and the material used in their inscription and findings are archeological. In this research, the Librarian method and field reports were used. To the authors archeological materials are needed to understand the cultural relations between Persia & Egypt during this time. Thus, one could divide these materials in to two groups. First, the Persian archaeological finds in Egypt and second, the Egyptian archaeological finds in Iran. There are some typical archaeological materials in Egypt refer to Achaemenids. The inscriptions of Wadi Hammamat in Hieroglyph writing, the inscriptions of mausoleum achaemenids and Elephantine Papyrus carrying an Aramaic and the bas relieves from Memphis & Carved motives on the walls of Hibis, and the inscriptions of Darius I in Suez Cannel. We can refer to such an Egyptian style Statue of Darius I in Susa. The Egyptian Scrubs Stamp from Qazvin Plain, the wares with hieroglyph inscriptions from Perspolis and the objects related to the Egyptian Myth & magic believes found in Perspolis. Also Achaemenid administration seal impression. According to the finds it is concluded that there was a strong effect of Egyptian culture on the Persian one.

Keywords

Egypt, Achaemenid, Dynasty, Hibis, temple, Darius I, Wadi Hammamat Aramian Papyrus, Scrabs Stamp

چکیده

موضوع این تحقیق بررسی هنر هخامنشیان در مصر بر اساس یافته های باستان شناسی ایرانی در این سرزمین و آثار مصری در ایران می باشد. در این پژوهش از روش کتابخانه ای و بررسی و مطالعه گزارش های پژوهش های میدانی استفاده شده است. برای فهم تأثیرات فرهنگی هنری و آگاهی از گستردگی روابط متقابل تمدن ایران و مصر لازم است یافته های باستان شناسی کاوش های علمی در ایران و مصر مورد مطالعه قرار گیرد تا براساس حجم داده های باستان شناسی به سطح و گستردگی روابط فرهنگی و هنری دو تمدن پی برده شود. براساس پژوهش ها تا به امروز می توان این آثار را در دو دسته طبقه بندی نمود. ۱. یافته های باستان شناسی ایرانی در مصر. ۲. یافته های باستان شناسی مصری در ایران. بعضی از نمونه های ایرانی در مصر عبارتند از: کتیبه های هخامنشی به خط هیروگلیف از وادی "حمامات" و کتیبه های آرامگاهی هخامنشی و پایپروس های به خط آرامی از جزیره "الفانتین" و همچنین نقش برجسته های هخامنشی در شهر باستانی "ممفیس" بر روی دیوارهای معبد "هیپیس" و یادگارهای معماری هخامنشی در مصر شامل معبد هیپیس و آثار معماری هخامنشی در الفانتین و سنگ یادبودهای داریوش در کنار کانال سوئز و همچنین مهر های حکومتی هخامنشیان می شود. در ایران، مجسمه داریوش، اشیاء، آلات و ابزار کوچک به دست آمده از کاخ داریوش در شوش، مهره های سوسکی دشت قزوین، ظروف کتیبه دار هیروگلیفی و یافته های طلسمی و اعتقادی از تخت جمشید مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. تحلیل نتایج این مطالعه تطبیقی نشان می دهد، که تأثیر گذاری هنر و معماری مصر بر ایران بیشتر بوده است.

واژه های کلیدی

مصر، ایران، هخامنشیان، ارتباط، کتیبه، نقش برجسته، داریوش اول، تأثیر و تأثر

مقدمه

تمدن ایران در آسیای جنوب غربی به عنوان یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین تمدن و فرهنگ این منطقه در دوره تاریخی بوده است. پدیدار شدن امپراطوری هخامنشیان و فتح مناطق گسترده‌ای از جهان و استفاده از تجربه فرهنگی و هنری بیشتر تمدن‌های بزرگ منطقه، فرهنگ و تمدن ایران را غنا و روند آن را سرعت بخشیده است. یکی از تمدن‌های بزرگ منطقه که تأثیرات علمی فرهنگی و هنری عمیق و تکامل دهنده‌ای بر تمدن ایران گذاشته، فرهنگ و تمدن مصر بوده است. گستره این تأثیرات که گاهی دو سويه نیز بوده، زوایای پنهان و ناپیدای فراوانی دارد، که نیازمند انجام پژوهش‌های وسیعی می‌باشد. در بررسی و مطالعه تاریخ چنین بیان می‌شود: "کوروش در نبرد با کروزوس پادشاه لیدی در آسیای صغیر پیروز شد و بر پایه وقایع نامه "نبونید" حدوداً پس از سال ۵۴۷ ق.م شهر "سارد" را تسخیر نمود و پادشاه لیدی را به عنوان اسیر همراه خود به اکباتان آورد. بدین ترتیب لیدی جزء ساتراپ‌های ایران درآمد که حاکمی پارسی بر آن فرمانروایی یافت" [بیانی، ۱۳۸۱: ۹۹]. کوروش پس از لیدی آماده تاختن و فتح بابل و باختر و سکاها و مصر شد. او در سال ۵۳۹ ق.م امپراتوری جدید بابل را که شامل متصرفات آن در غرب رود فرات می‌شد تسخیر کرده و به امپراتوری خود منضم ساخت. ولی کوروش در سال ۵۳۰ ق.م در جنگ با ماساژت‌ها در شمال شرق امپراتوری کشته شد و نتوانست برنامه‌های خود را در رابطه با گسترش امپراتوری عملی سازد. تسخیر مصر که در اندیشه کوروش بود. توسط جانشین او کمبوجیه‌دنبال شد [توین بی، ۱۳۶۸: ۱۹۹]. طرح فتح مصر که در زمان کوروش طراحی شده بود، توسط کمبوجیه عملیاتی شد و هنگامی که آماسیس فرعون مصر در آغاز سال ۵۲۵ ق.م از دنیا رفت. پسر او پسامتیک سوم فرعون مصر شد، کمبوجیه پسر کوروش تهاجم خود به مصر را آغاز کرد. او در پیشروی پیروزمندانه به مصر و پس از درهم شکستن آخرین مقاومت ارتش این کشور در اطراف شهر ممفیس پایتخت مصر و اسارت فرعون، پسامتیک سوم، کمبوجیه پادشاه مصر شد و تا سال ۵۲۲ ق.م در آنجا باقی ماند و بر این کشور حکومت کرد [Posener, 1936, S. XI]. براساس منابع مصری مردم این کشور کمبوجیه را همچون فرعون جدیدی از سلسله بیست و هفتم برای حکومت بر مصر قبول کرده و پذیرفتند و کمبوجیه هم به سنت‌های بومی و مذهبی آنها احترام گذاشت. حاکمیت بیست و هفتمین سلسله که تا سال ۴۰۴ ق.م به طول انجامید. از زمان کمبوجیه آغاز می‌شود. در دومین دوره فرمانروایی ایرانیان یا سلسله سی و یکم از سال ۳۳۸-۳۳۳ ق.م اردشیر اول حکومت کرد و از سال ۳۳۲-۳۳۵ ق.م داریوش سوم حکومت مصر را در اختیار داشت [Altenmüller, 1982, S. 20].

۱. پیشینه تحقیق

مطالعات زیادی در رابطه با باستان شناسی دوره هخامنشیان در مصر صورت گرفته است. ولی به طور مشخص مؤثرترین کسانی که بر اساس یافته‌های باستان شناسی و مستندات تاریخی این موضوع را مورد تحقیق و پژوهش قرار داده‌اند، عبارتند از:

۱. تحقیقات و مطالعات جی. پوزنر فرانسوی [Posener, 1936] به عنوان اولین محقق در رابطه با موضوع، یافته‌های باستان شناسی دوره هخامنشیان را در مصر بصورت کامل و مفصل مورد مطالعه و پژوهش قرار داده است. او براساس مطالعه و ارائه ترجمه کتیبه‌های شاهان هخامنشی از "وادی حمامات" و "سنگ یابوهای" تل المشکوتا و "کابریت" و "سنگ یادبود شهر سوئر و کتیبه‌های مقابر از هیروگلیف به زبان فرانسه، به تحقیق جامع در رابطه با آثار هخامنشی در مصر نیز پرداخته است. حاصل این تحقیقات و پژوهش‌ها ارائه نتایج کشف باستان شناسانه صدها اثر و شی و کتیبه از این دوره و معرفی آنها در مصر بوده است، که روشن کننده زوایای تاریک و مبهم تاریخ این دوره در یک مقطع ۱۳۲ ساله می‌باشد. نتایج این تحقیقات در کتابی با عنوان: "نخستین سلطه پارس‌ها در مصر" جمع‌آوری و در سال ۱۹۳۶ در قاهره چاپ و منتشر شده است [G. Posener 1936].

۲. مطالعات و تحقیقات "میکائیل راف" استاد باستان شناسی دانشگاه مونیخ در رابطه با این موضوع پس از جی. پوزنر حائز اهمیت می‌باشد. او با مطالعه کتیبه‌های روی مجسمه داریوش که در سال ۱۱۳۵۱ از حفاری هیات باستان شناسی فرانسوی در کاخ آپادانا شوش، به دست آمد و هم‌اکنون در موزه ملی ایران باستان نگهداری می‌شود. روی لباس این مجسمه کتیبه‌های به خط میخی (پارسی، عیلامی و بابلی) و همچنین کتیبه‌ای به خط هیروگلیف از زبان داریوش حکاکی شده است. بر روی پایه مجسمه تصویر

نمادین مردان ۲۴ ساتراپی دوره داریوش نمایش داده شده است. "راف" با استفاده از این داده ها نسبت به مطالعه توزیع مکانی و جغرافیای ملل تابعه و ساتراپی های هخامنشی بویژه مصر پرداخته است (M.Roaf 1974).

۳. کارل میسلویچ باستان شناسی از کشور آلمان نیز در رابطه با موضوع دوره هخامنشیان در مصر بر اساس یافته های باستان شناسی از جمله مجسمه داریوش و سایر کتیبه ها مطالعه و بررسی نموده، و نتایج تحقیقات خود را در کتابی در سال ۱۹۹۸ در ماینس آلمان منتشر نموده است [K.Mysliwiec 1998,89].

۴. مطالعات و تحقیقات بی. یاکوبس در رابطه با توزیع مکانی و جغرافیای ساتراپی ها و ملل تابعه هخامنشی و آثار ایرانی در مصر کار ارزشمند و راهگشای بوده است [B.Jacobs 1994-1987].

۵. از جمله تحقیقات و پژوهش های سودمند در رابطه با بررسی و مطالعه باستان شناسی دوره هخامنشی در مصر انجام گرفته است. کار تحقیقی، پیرلوکوک فرانسوی است، که با استفاده از بررسی و مطالعه بیشتر کتیبه های هخامنشی نتایج مفیدی در رابطه با شناخت ویژگی ها و خصوصیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این دوره بویژه در رابطه با مصر ارائه نموده است. از ویژگی های این کار تحقیقی بررسی و مطالعه این دوره براساس یافته ها و کتیبه های مستند تاریخی به زبان های مختلف رایج در این دوره بوده است. نتایج این کار تحقیقی در کتابی به زبان فرانسوی که به زبان فارسی تحت عنوان کتیبه های هخامنشی ترجمه شده است [لوکوک، پی، ۱۳۸۲].

۶. در منابع یونانی به ویژه کتاب تاریخ هرودوت و در کتاب جغرافیای استرابون تحت عنوان سرزمین های زیر فرمان هخامنشیان موضوع توزیع جغرافیای ملل تابعه هخامنشی بویژه مصر مورد توجه قرار گرفته و شرح و توضیح داده شده است [هرودوت، ۱۳۳۹].

۷. مطالعات و پژوهش های خانم پروفیسور هاید ماری کخ از آلمان در رابطه با اقوام و ملل تابعه و ساتراپی های هخامنشی ارزشمند و قابل توجه بوده و نتایج پژوهش های خود را در چندین کتاب به زبان آلمانی چاپ و منتشر نموده اند. هاید ماری کخ در رابطه با موضوع باستان شناسی هخامنشی نیز اطلاعات مفیدی ارائه داده است، که حاصل آن انتشار کتاب های مختلف در این باره است.

۸. یکی از پژوهش های مستند و پرحاصل تاریخ و باستان شناسی امپراتوری هخامنشی تحقیقات پیر بریان فرانسوی است که به صورت کامل تر از تحقیقات گذشته بر اساس مطالعه و بررسی نتایج کاوش های باستان شناسی بیشتر سرزمین های تحت سلطه این امپراتوری انجام شده است. حاصل این پژوهش در کتابی که بعداً به فارسی تحت عنوان امپراتوری هخامنشی چاپ و منتشر شده است. [بریان، پیر، ۱۳۸۱].

۲. چگونگی تشکیل امپراتوری هخامنشیان و فتح مصر

بر اساس مدارک موجود در حدود سال ۷۰۰ پیش از میلاد باید قراردادی فیما بین پادشاه ایران، هخامنش جد سلسله هخامنشیان و پادشاه ایلام شوتروک ناهونته دوم منعقد شده است. بر اساس این قرارداد هخامنش تعهد نمود ایلامی ها را با قدرت نظامی علیه آشوری ها حمایت کند، در مقابل شاه ایلام تعهد نمود، که قوم پارس ها می توانند در منطقه ایلام استقرار دائمی پیدا کنند. بنابراین پارس ها حدود سال ۷۰۰ پیش از میلاد به آن منطقه که امروزه مهد این ملت خوانده می شود، در منطقه فارس و نزدیک کوهستان های اطراف تخت جمشید و پاسارگاد استقرار پیدا کردند [Koch.1988,3]. موسس قلمرو جهانی هخامنشیان کوروش دوم وابسته به آخرین پادشاه ماد آستیگس بود، که در سال ۵۵۸ پیش از میلاد پادشاه قبایل ایرانی شد، و در سال ۵۵۰ ق.م علیه مادها قیام کرد و شاه ماد را از سلطنت برانداخت [Lukonin.1986,38]. کوروش که وارث دولت ماد و فرمانروایان آشور، اورارتو و آسیای صغیر شده بود، ضمن فتح لیدیه در آسیای صغیر و بابل در بین النهرین شروع به تاسیس امپراتوری هخامنشیان کرد. هرچند قسمت بیشتر دوره حکومت کوروش را سفرهای جنگی شرق و غرب دربر گرفته بود، و کوروش فرصت کمی برای فعالیت های دیگر داشته، ولی او پس از توسعه و گسترش حکومت خود شوش را به عنوان پایتخت انتخاب نمود، او پس از شوش هگمتانه یا همدان و حتی پس از آن بابل را به پایتختی انتخاب می کند. [گیرشمن، ۱۳۴۴: ۱۴۴] کوروش در جنگ باماسازت ها، بیابانگردهای که به شمال شرق ایران

تاخت و تاز می کردند لشگر کشید و در جنگی با آنها در تابستان ۵۳۰ ق.م کشته شد. کمبوجیه پسر کوروش دوم بی هیچ مخالفتی در اوت ۵۳۰ ق.م بر حسب اسناد آکدی بابل برجای کوروش نشست. در ادامه گسترش امپراتوری هخامنشی، کشور مصر در سال ۵۲۵ ق.م توسط کمبوجیه با طراحی و انجام یک عملیات بزرگ نظامی تسخیر شد، و شاه ایران به عنوان فرعون مصر از طرف مردم و نهادهای سیاسی اجتماعی و مذهبی برسمیت شناخته شد. در دوره اول هخامنشیان تا سال ۴۰۴ ق.م تحت عنوان سلسله بیست و هفتم به مدت ۱۲۱ سال در مصر حکومت کردند. در دوره دوم بمدت ۱۱۱ سال از ۳۴۳ تا ۳۳۲ ق.م حاکمیت هخامنشیان در مصر ادامه داشته است [فرای، ۱۳۸۰: ۱۵۹-۱۶۱]. داریوش پسر آریارامنه در سال ۵۲۲ ق.م به عنوان شاه ایران شناخته می شود. داریوش با کمک شش تن از سرداران وفادار تمام نواحی امپراطوری هخامنشی را تا سال ۵۲۱ ق.م به تصرف در آورد و به اطاعت از داریوش واداشت [کالیگان، ۱۳۸۴: ۶۳-۶۵]. پس از مرگ داریوش پسر او خشایار شاه در سال ۴۸۶ ق.م به تخت سلطنت نشست. خشایار شاه هخامنشی در سال ۴۶۵ ق.م درگذشت [سامی، ۱۳۳۳: ۵۰-۵۱]. پس از خشایار شاه پسر او اردشیر معروف به اردشیر دراز دست در سال ۴۶۵ به تخت سلطنت رسید. اردشیر هم در سال ۴۲۴ ق.م درگذشت. پس از او پسرش خشایار شاه دوم در سال ۴۲۴ ق.م به حکومت رسید. مدت حکومت او ۴۵ روز تا یکسال نوشته اند. برادرش سغدیان او را کشت و خود شاه شد که مدت شاهی سغدیان شش ماه و نیم بیش نبود که به دست داریوش دوم والی باختر اعدام شد. [سامی، ۱۳۳۳: ۵۱] داریوش دوم پسر اردشیر اول در سال ۴۲۴ ق.م به سلطنت رسید و در سال ۴۰۴ در گذشت. پس از داریوش دوم پسر او اردشیر دوم از سال ۴۰۴ تا ۳۵۸ حدوداً ۴۶ سال حکومت نمود و اردشیر دوم ۹۶ سال عمر کرد. پس از اردشیر دوم پسرش اردشیر سوم از ۳۵۸ تا ۳۳۸ ق.م حکومت کرد. پس از اردشیر سوم آرشک (آرسس) یا اردشیر چهارم پسر اردشیر دوم از ۳۳۸ تا ۳۳۶ ق.م به حکومت رسید. آخرین شاه هخامنشی داریوش سوم که از سال ۳۳۶ تا ۳۳۰ ق.م حکومت کرد. [سامی، ۱۳۳۳: ۵۳-۵۴]

۳- یافته های باستان شناسی ایرانی در مصر

۳.۱. کتیبه های به دست آمده از وادی حمامات

وادی حمامات در دره گسترده ای در شرق کشور مصر در بین شهر کوپتوس و دریای سرخ قرار دارد، که راه شهر کوپتوس مصر به دریای سرخ از آن وادی می گذرد. در این وادی معدن سنگ قدیمی قرار دارد که از ۴۰۰۰ ق.م در مصر برای مجسمه سازی و ساخت معابد بزرگ از سنگ آن مورد استفاده شده است. بر روی دیواره طبیعی سنگ این معدن کتیبه های به زبان هیروگلیف از ادوار مختلف تاریخی نوشته شده است. (http://de.wikipedia.org/wiki/Wadi_Hammamat) درحین بررسی کتیبه های معدن سنگ وادی حمامات در سال های ۱۹۳۲-۱۹۳۴ ملاحظه می شود که تعداد قابل توجهی از این کتیبه های کشف شده مربوط به دوران حکومت هخامنشیان در مصر می باشد. بر اساس این مطالعه، از ۲۵۰ کتیبه ۲۲ کتیبه مربوط به بیست و هفتمین سلسله مصر یعنی حکومت هخامنشیان در مصر بود [Posener, 1936, 88]. اریک. اشمیت در مورد کتیبه های مربوط به پادشاهان ایرانی که از وادی حمامات به دست آمده، معتقد است: از کتیبه های وادی الحمامات که تعدادی از آنها به بیست و ششمین سال فرمانروائی داریوش اول مربوط می شود، چنانچه در بعضی از این کتیبه ها نام پادشاهان هخامنشی آخر متون کتیبه نوشته شده ظاهر می شوند. لازم به ذکر است، از معدن سنگ وادی الحمامات همیشه سنگ برای پادشاهان مصر ارسال می شده است [Schmidt, 1953, 26]. بر اساس تحقیقات جی. پوزنر باستان شناس فرانسوی، از ۲۳ کتیبه دوازده کتیبه مربوط به داریوش اول می باشد که بیشتر آنها کمتر از هشت خط متن هیروگلیف داشته و بیشتر مطالب آنها در حد نام پادشاه و تاریخ ثبت را نوشته اند و شش کتیبه مربوط به خشایار شاه و چهار کتیبه مربوط به اردشیر اول هخامنشی بوده است [Posener, 1936, 88].

۳.۲. کتیبه های سنگ قبرها از دوره هخامنشیان در مصر

بیش از ۲۰ سنگ قبر یادبود از معبد سراپیوم از ممفیس به دست آمده، که حامل اطلاعاتی مربوط به شاهان هخامنشی می باشد. بسیاری دیگر، با وجود اینکه در اینجا هیچ سلسله خاصی ذکر نمی شود، مطابق با همین دوره هستند. ۵ متن این منبع به ویژه برای

تاریخ مصر در زمان بیست و هفتمین سلسله مورد توجه قرار می گیرد. از اینها دو کتیبه قبری آپیس می باشد، که یکی از آنها مربوط به کمبوجیه بوده و دیگر مربوط به داریوش اول است. به عنوان نمونه به چند کتیبه اشاره می شود :

الف. سنگ قبر کتیبه دار آپیس، اهدایی کمبوجیه : این کتیبه بر روی یک سنگ قبر گرد و مدور از جنس آهک است. که ۶۶ سانتی متر ارتفاع و ۴۴ سانتی متر طول و حدود ۹ سانتی متر قطر دارد. این کتیبه از حفاری های ماریت از معبد سراپیوم نزدیک شهر ممفیس به دست آمده است. این سنگ در حال حاضر (به شماره اموال ۳۵۴) در موزه لوور قرار دارد. این کتیبه به دو بخش تقسیم می شود. تاریخ آن با سومین ماه فصل شمو در سال ۶ دوران حاکمیت کمبوجیه تطبیق می کند. یعنی در حدود (۵۲۴ ق.م) و وجود چندمین روز ماه مشخص نیست.

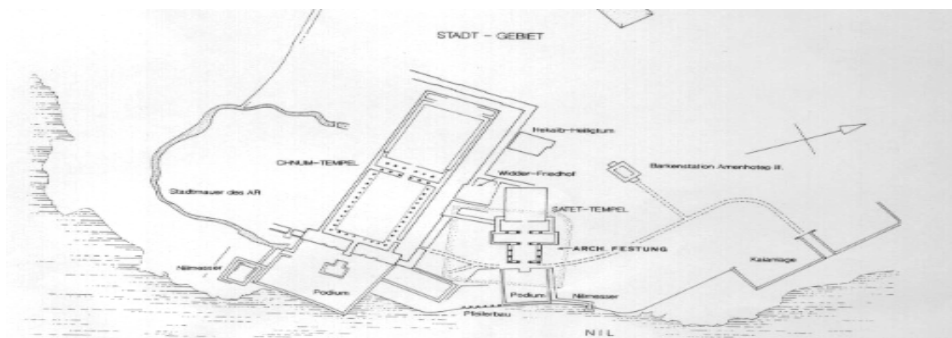
ب. تابوت کتیبه دار آپیس، اهدایی کمبوجیه: تابوت حجاری شده از جنس گرانیت خاکستری که حوالی شهر ممفیس پیدا شده است. بر روی در آن حرفی وجود دارد. تاریخ این تابوت باید با گاو نری که در کتیبه معتبر شماره ۳ نیز ذکر شده است، ارتباط داشته باشد. آپیس ۷ کاو مجردی که سنگ قبرش در سراپیوم به دست آمده و مراسم تدفینش در زمان فرمانروایی کمبوجیه انجام شده است. [همان]

ج. سنگ قبر کتیبه دار آپیس، اهدایی داریوش اول: کتیبه سنگ قبر آپیس منطبق با سال ۴ بعد از داریوش اول، که این کتیبه از یک سنگ قبر مدور و از جنس سنگ آهک است. ۸۰ سانتی متر ارتفاع و ۴۴ سانتی متر طول و حدود ۱۰ سانتی متر قطر دارد. این کتیبه از حفاری های ماریت معبد سراپیوم نزدیک شهر ممفیس به دست آمده است. این کتیبه در حال حاضر در موزه لوور (به شماره اموال ۳۵۷) نگهداری می شود. این اثر آسیب زیادی دیده و شکسته شده است. در حال حاضر به صورت ۸ قطعه جدا از هم موجود می باشد. بدون شک دو قطعه از سمت چپ آن موجود نیست. این کتیبه به دو قسمت تقسیم می شود. تاریخ این کتیبه با سی امین روز سومین ماه فصل شمو سال ۴ بعد از داریوش اول. (یعنی ۵۱۸ ق.م) مطابقت می کند. [همان]

۳.۳. معماری هخامنشی در جزیره الفانتین مصر

در زمان فتح مصر توسط ارتش هخامنشیان اطلاعات امنیتی کشور مصر توسط فردی بنام "فانس هالی کارناس" لو رفت. او به سوی شاه ایران کمبوجیه گریخت و او را از سیستم دفاعی مصری ها مطلع کرد. کمبوجیه همچنین با بادیه نشینان (بادویان) به عنوان راهنما در سال ۵۲۵ قبل از میلاد از طریق شبه جزیره سینا به خاک مصر حمله کرد. بخشی از اعیان و اشراف مصر از ایرانیان حمایت کردند. کمبوجیه همچنین برای فتح مصر از حمایت پادگان های یهودیان که در جزیره الفانتین مستقر بودند، بهره مند شد [Mysliwiec, 1998, 168]. بنابراین در دوره فرمانروایی هخامنشیان در موقعیت سیاسی اجتماعی و نظامی جزیره الفانتین تغییرات چندانی به وجود نیامد، و این جزیره با پادگان های محکم، به عنوان استحکامات مرزی مصر در اختیار حکومت هخامنشی مصر باقی ماندند [Meyer, 1912, 12]. از طرف دیگر در موقع تصرف مصر هم اولین پادگان نظامی هخامنشیان در جزیره الفانتین مستقر شد، چنانچه بخشی از این پادگان در تمام دوران فرمانروایی کمبوجیه در الفانتین پا برجا بود. بر اساس مدارک مکتوب یهودیان در زمان داریوش دوم یادآور می شوند، که پرستشگاه آنها در دوران شاهان مصر بنا شده و تا هنگام ورود کمبوجیه به مصر نیز برپا بوده، این به این معنا است که کمبوجیه هم از آنها حمایت می کرده است [بریا، ۱۳۸۱: ۸۵]. در سالهای ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ از حفاری باستان شناسی که توسط روبنسون در جزیره الفانتین انجام گرفت، حاصل آن کشف آرشیو و بایگانی مهم مهاجرین نظامی یهودی جزیره الفانتین به خط آرامی و بر روی پاپیروس بود. در این آرشیو در میان مقدار زیادی از اسناد اداری قطعاتی نیز از ترجمه کتیبه بیستون به زبان آرامی که هزاران سال در آنجا محفوظ مانده بود، به دست آمد. این اسناد در دو طرف پاپیروس نگاشته شده و در حواشی و کنار آنها یادداشتهای اداری دوره هخامنشیان نیز قید شده بود. [آ.دندامایف، ۱۳۸۱: ۱۱۵] نوشته های پاپیروسی به زبان آرامی، دید عمیق و برداشتی روشن از زندگی در اقامتگاه هائی مانند پادگان های یهود یان در الفانتین را ارائه می دهند و ستایس یهوز (Jahwes) و معابد خدایان محلی و همچنین روابط آنها را با سایر گروه های که در آنجا زندگی می کردند را گواهی می کنند. حتی این نوشته های آرامی پاپیروسی با موفقیت تلاش کرده اند مکانیابی جغرافیای محله های الفانتین را برای

بازسازی دوباره یا تجسم با توضیحاتی ارائه نمایند [Helck / Otto, 1986, 1221]. پاپیروس های به خط آرامی به دست آمده از الفاتین تقریباً منابع منحصر به فرد اطلاعات در مورد اداره دادگاه ها و دادگستری، و همچنین وضعیت محاکم و اصول و روش های حاکم بر آن ارائه می دهند. زیرا مدارک دادگاه های مصری در دوران سائیت و در دوران حاکمیت هخامنشیان تاکنون به دست نیامده است و اطلاعاتی در خصوص وجود ندارد [E. Bresciani, 1965, 320]. بر اساس گزارشات حفاری که توسط مؤسسه باستان شناسی آلمان در مصر در جزیره الفاتین از اول اکتبر ۱۹۸۷ تا آوریل ۱۹۸۸ و از ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ در مورد این شهر و معابد آن انجام شده، و بر اساس نتایج کاوش های باستان شناسی این موسسه خبر کشف آثار معماری از دوره هخامنشی در جزیره الفاتین مصر را ارائه می دهند. (تصویر ۱) [MDAIK46, 1990, 213.] (Mittailung Deutsche Archäologischen Institut in Keiro)



تصویر ۱. پلان معماری دوره هخامنشیان در جزیره الفاتین مصر (D. Arnold, 1994, S. 73.)

۳.۴. ظروف کتیبه دار مربوط به دوره هخامنشی در مصر

جی. پوزنر در این مورد ۶۳ ظرف کامل و قطعات شکسته ظروف را جمع آوری کرده است که مربوط به دوران هخامنشیان بوده و بیشتر آنها دارای کتیبه ای با خط هیروگلیف می باشند. تعداد کثیری از آنها از جنس سنگ مرمر سفید (آرگونیت Argonit) بوده و قسمت اعظم آنها از کاوش های هیات های باستان شناسی شهر شوش به دست آمده، چنانچه شش ظرف با کتیبه ای هیروگلیفی به نام داریوش، ۳۵ ظرف به نام خشایارشا و ۵ ظرف به نام اردشیر یافت شده است. این گروه ظرف های با اهمیت کتیبه دار دوره هخامنشیان به تنهای نشان دهنده موجودی موزه ها و مجموعه های شخصی نیست. زیرا هر سال از محوطه های تاریخی هخامنشی مثلاً شوش در خوزستان تکه های جدیدی از ظروف این دوره به دست می آید. جی. پوزنر قادر نبود همه امکانات را برای ارتباط دادن بین قطعات کوچک بررسی کند و امکان دارد شماره های مختلفی را که او به تک تک ظروف داده است، مربوط به یک ظرف باشد [Posener, 1936, 137].

۳.۵. تابوت های چوبی مثبت کاری شده پارسی از دوره هخامنشی در مصر

تابوت های چوبی هخامنشی معرفی شده دوره هخامنشی در مصر که قبلاً در مجموعه موزه کارنگی (Carnegie-Lann) در شهر هاک نگهداری می شده است. اینکه منشاء کشف تابوت های چوبی کجا بوده، مشخص نیست. اما آنچه که معلوم است این اشیاء از مصر به دست آمده اند. روی تابوت های چوبی با تصاویری کنده کاری شده که به وسیله نوشته هائی محصور و تصاویر خدایان مصری همراهی می شوند. بر اساس نوشته ها و کتیبه ها جسد داخل تابوت متعلق به هوروس (Horus) می باشد، و پسری بنام مینوریس و نام مادر "اوتایبت Taibet" است [Freiherm, 1936, 133]. بر روی کناره های باریک، همینطور در سمت بالا و سمت پاهای جسد مومیای شده دو توصیف مذهبی مرتبط با یکدیگر ارائه شده است. بر روی یک سمت باریک Nephthys Isis که هر دو به عنوان خواهران Osiris (اوزیریس) محسوب می شوند در کنار تیرک چوبی تصاویر فقرائی که عصای سلطنتی را نگه می دارند و دارای قرص خورشید با پره های بلند هستند. در سمت باریک مقابل علامت مقدس نورانی یا علامت مرهم گذاری ایدوست Abydos با سر اوزیریس Osiris ترسیم شده است. سمت راست و چپ او هوروس Horos با رفتاری محترمانه پشت سر

(ایسیس) Isis، را ستایش می کند، پشت نفتیس Nepphthys هوروس Horus هر دو بدون هیچ نشان و علامتی هستند (تصویر ۲) [همان].



تصاویر ۲. تصویر تابوت چوبی متعلق به دوره هخامنشی در مصر (Freiherr, 1935-36, -140)

۳.۶. ظروف مرمیرین کتیبه دار (Alabaster) از دوره هخامنشی مصر

براساس نظر اشمیت (R. Schmitt) بر روی یک ظرف مرمیری کتیبه دار چنین حکاکی شده است: (از پادشاهان هخامنشی داریوش اول، خشایار اول، اردشیر اول). برای جانشینان آنها نیز در دوره هخامنشیان تعداد زیادی از این ظروف کتیبه دار وجود داشته و تاکنون کشف شده است [Schmitt, 2001, 191]. برای آشنائی با نمونه های دیگر چنین ظروف کتیبه دار در حال حاضر دلیل کافی وجود دارد که به نمونه ای استناد شود که متعلق به اواخر دوران هخامنشیان در مصر بوده اند و نیز مشخصه و الگوی برای قرون بعدی بوده اند و نیز در سراسر خاور نزدیک و در عصر هخامنشیان برای همه شناخته شده بوده اند. ویژگی های ظروف مرمیری سفید یا آلاباستراها به این شکل بوده اند: این ظروف باریک و شکم برآمده ای (شکم دار) که غالباً طبق اسناد موجود از ایالات مختلف مصر به دست آمده اند و از جنس مرمیر با گردنی کوتاه، اما لبه ای پهن و دسته های کوچک و سطحی تخت و بدون پایه هستند. (تصاویر ۳ و ۴)



تصویر ۴. تصویر ظرف کتیبه دارپا رسی از مصر- برلین (Burchardt, 1911, 70)



تصویر ۳. تصویر ظرف بزرگ کتیبه دار از مصر-موزه وین (Seipel, 2000, S.220)

۳.۷. مهرهای استامپی و سیلندری از دوره هخامنشی در مصر

یکی از مهم ترین آثار دوران فرمانروائی پارس ها در مصر، مهرهای پادشاهی است که در اکثر ساتراپ ها و کشورهای ملل تابعه امپراطوری هخامنشی این مهر پادشاه بزرگ رایج بوده در واقع نه تنها چنین مهرهای منحصر بفردی وجود داشته بلکه بیش از ۳۰ عدد مهر در اختیار بوده است. چنانچه در زمان داریوش تمام مقامات عالیرتبه، از جمله کلیه استانداران که جزو مقامات عالیرتبه محسوب می شدند، یک چنین مهری را با نام داریوش داشته اند [Hinze, 1976, 175]. یک نمونه از مهر دوران فرمانروائی پارس ها در مصر از مهر داریوش که فقط یک نمونه منحصر بفرد بوده است. احتمالاً داریوش اول در سال ۴۸۷ قبل از میلاد در مصر آن را به استانداران تازه منصوب شده اعطاء کرده بود. دومین نمونه از مهرهای دوران فرمانروائی پارس ها در مصر به صورت یک مهر غلطان یا استوانه ای و تو خالی است. بر روی تصویر سطح مهر یکی از پادشاهان هخامنشی که با یک نیزه ای در دست دارد ایستاده، کنده کاری شده است. در جلوی او فرعون مصر نیز زانو زده است (تصویر ۵) [Seipel, 1996, 395].



تصویر ۵. تصویرمهر داریوش در ساتراپی مصر از موزه لندن (Hinze, 1976, 176)

۳.۸. نقش برجسته مرد پارسی از شهر ممفیس

یک قطعه سنگ سه گوش کوچک از بناهای سنگی ممفیس که در طی حفاری های ۱۹۲۳ موزه دانشگاه پنسلوانیا ۱۹۲۳-۱۹۱۵ به دست آمده، این نقش برجسته در حال حاضر به شماره اموالی EJ 4553 در موزه قاهره نگهداری می شود. این یادبود سنگی با نقشی که در خود دارد و متن تقریباً خرد شده هیروگلیفی که اندازه آن ۱۷×۱۳ سانتی متر بوده، از سنگ آهک سفید ساخته شده است. تنها آسیب هایی که بر روی متن هیروگلیفی وجود دارد، همان لبه هایی هستند که این قطعه نقش برجسته از بقایای آنها جدا شده است. در آنجا دو سطر وجود دارد. یک ستون افقی در بالای وسط سطح سنگ و از نظر مهارت هنری هنوز خام به نظر می رسد. وضعیت نقش و پیکره انسانی این تأثیر را می گذارد که اثر هنوز به اتمام نرسیده بوده، اما مطلب کوچک دیگر اینکه بر روی این اثر تاریخی با رنگ قرمز کار شده است. بنابراین نتیجه بررسی روی این اثر نشان می دهد که در اصل نقاشی شده بود و اجرای دقیق تر رنگ لباس و تزیینات در اثر مرور زمان از بین رفته است. کاری که بر روی متن هیروگلیفی انجام شده بسیار ناشیانه و نازیبا بوده است (تصویر ۶) [ولایتی، ۱۳۸۵: ۲۰۲]. ویژگی های نقش برجسته پارسی شهر ممفیس چنین توصیف شده است: در این نقش یک مرد پارسی در تنوع جامه های پارسی خاص خود به صورت یک مصری نشان داده می شود. جامه هایی با آستین های بلند تا آرنج و با برش نوک تیز در گردن با یک بالا تنه گشاد که در جلو آن گره زده شده است، تکمیل می شود. همان طوری که این نقش با مجسمه انششوناک (Anchsheschonk) از تل المشکوتا به دست آمده، قابل مقایسه بوده است. در مرکز صحنه این نقش برجسته یک مرد راست قامت ایستاده است، نیمرخ صورت او در امتداد بیرون صحنه به سمت چپ می رود. او یک پوشش سر تنگ و یک جامه بلند ظاهراً خارجی به تن دارد. نه گردن و نه نوع آستین های لباس به درستی قابل رویت نیست و احتمالاً جزو جزئیات نقاشی است. لباس نقش هیچ منشاء مصری ندارد. زیرا با هم با حرکات دست های مرد زیر شکم محکم نگه داشته شده است. در حالی که دست چپ، مچ دست راست را گرفته است که این سنت بر اساس

نظر هنر شناسان یکی از سنت های شناخته شده ایرانی ها بوده است. احتمالاً این لباس نیز منشاء ایرانی داشته است. (تصویر ۷) (همان منبع)



تصویر ۷. تصویر نقاشی نقش پارسی ممفیس (Hinz, 1979, 208)



تصویر ۶ نقش برجسته پارسی ممفیس (Schulman, 1981, 103)

به نظر والتر هینس بعدها در مصر سنت های جدیدی از اقوام رخ می نماید: مثلاً یک نقش برجسته مسطح که از ممفیس به دست آمده، سه مصری را با موهای صاف و لباس های بلند با آستین های کوتاه نشان داده شده است. هر سه شکل رفتار مشابهی دارند: با دست سمت راستشان میج دست چپشان را گرفته اند [W.Hinz 1979]. بازوی چپ فقط خیلی ساده روی ساعد کنده کاری شده، نشان دهنده این است که از یک آستین پهن تشکیل شده، آنجا حتی اثر سطحی طرح چنین چیزی که از گردن قابل تشخیص باشد، وجود دارد. با وجود این می تواند فقط سایه ساده ای بر روی تصویر باشد [Schulman 1981, 105]. که منحصرأ این رفتار به وسیله داریوش اول در سرزمین ملل تابعه معمول شده بود، چنین رفتار و اقدام و تأثیر برانگیزی بعدها در زمان نبیره او داریوش دوم (۴۰۵-۴۲۳ ق.م) با این دستور که دست ها باید در آستین ها پنهان و پوشیده شوند، جایگزین شد [Hinz, 1979, 207].

۳.۹. مجسمه اودجاهورسنت

مهم ترین سند باستان شناختی این دوره از تاریخ مصر در رابطه با فتح آن توسط کمبوجیه متون کتیبه های تندیس اودجاهورسنت، که اکنون در موزه واتیکان شهر روم نگهداری می شود. او پزشک دربار سلسله سائزس و افسر بلند مرتبه و فرمانده نیروی دریائی مصر قبل از فتح مصر به وسیله کمبوجیه بوده است. مجسمه اودجاهورسنت مرد ایستاده ای را نشان می دهد که لباس بلندی بر تن دارد و در دست هایش ناوسی یا ضریح خدایان دارد، که شامل چهره اوزیرس است و قد آن ۷۰ سانتیمتر و احتمالاً ماده ای که از آن ساخته شده است سنگ سبز است. سر، گردن و دست چپ مجسمه به صورت ناشیانه بعداً ترمیم و مرمت شده است. کتیبه روی تندیس جمعا ۴۸ ستون است و مطالب آن مستقل از یکدیگر نوشته شده، که آخرین آن مربوط به اصلاح مدرسه سائزس به فرمان داریوش اول که تاریخ تقریبی آن سال سوم حکومت داریوش اول در مصر بوده است [ولایتی، ۱۳۸۳: ۲۰۲]. براساس کتیبه اودجاهورسنت، سیاست کمبوجیه در مصر عیناپیرو سیاست کوروش در بابل بوده، یعنی تحکیم پیوندها با نخبگان محلی، ابقای ایشان در مقام های بالا بهره برداری از آشنایی ایشان با آنها با شرایط محلی برای قبولاندن خود به عنوان فرمانروای خوب و ایفای نقش شاه مصر به صورت مناسب که از کمبوجیه انتظار می رفت. یعنی خدایان را گرامی داشته و پیشکش ها، هدایا و نذری ها را بپذیرد و معابد را حفظ کند و عناوین و نام های تشریفاتی مصری بپذیرد [کورت، ۱۳۷۹: ۵۱]. اودجاهورسنت مرد توانمند و سرشناس مصری که از نظر خدمت به شاهان متعدد بی شباهت به کرتیر دوره ساسانیان نیست او در کتیبه روی تندیس خود به خط هیروگلیف چهره ای کاملاً محبوب از کمبوجیه می سازد. او با برشمردن

لقب ها و عنوان های خود در زمان چهار فرمانفرمای مصری و هخامنشی آماسیس، پسمامتیک، کمبوجیه و داریوش خود را بسیار نزدیک به آنها خوانده و می گوید: نزد تمام اربابان خود محترم بوده، و آنها او را با زیورهای زرین می آراسته اند. او از کمبوجیه بنام پدید آورنده نظم یاد کرده و او را مانند شاهان پیشین منزه از هر گونه خشونت و زیاده روی و نگهبان آیین ها و سنت های دینی و وارث همه فضیلت های باستانی معرفی می کند [رجبی، ۱۳۸۰: ۱۹۱]. بنابراین تصویر کمبوجیه در منابع یونانی بخصوص در کتاب هردوت تصویر مهاجم بیگانه سنگدلی است که علاقه یا حساسیتی نسبت به عقاید اجتماعی و مذهبی مصریان ندارد. قابل قبول علمای تاریخ و باستان شناسان نیست و همان طور که بیان شد متون مصری مربوط به آن روزگار نیز این تصویر را تأیید نمی کنند. چنانچه رویداد فتح مصر توسط کمبوجیه را اودجهورسنت در کتیبه ای در تندیس خود در واتیکان چنین شرح می دهد: (کمبوجیه شاه بزرگ همه سرزمین های بیگانه به مصر آمد و او بر تمام سرزمین مصر چیره شد. او فرمانروای بزرگ مصر شد و سمت ریاست پزشکان را به من سپرد. او مرا در کنار خود به عنوان دوست و مدیر کاخ قرار داد. من باعث شدم که شاه اهمیت سائزس مرکز سلسله سائزس را به رسمیت بشناسد، و این جایگاه نایت بزرگ است مادری که رع را زایید. من باعث شدم شاه اهمیت و بزرگی معبد نایت را به رسمیت بشناسد. شاه مصر علیا وسفلی به سائزس آمد و رهسپار معبد نایت شد و همانند هر شاهی که قبلاً چنین کرده بود زمین را لمس کرد (تصاویر ۸ و ۹) [کورت، ۱۳۷۹: ۵۰].



تصویر ۹. تصویر مجسمه اوجا هورسنت با سرمرمت شده (Hinze, 1976, 173.)

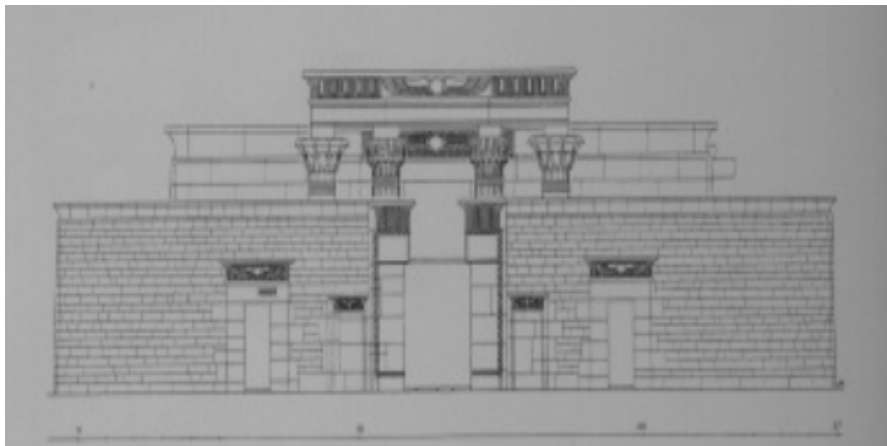


تصویر ۸. تصویر مجسمه اوجا هورسنت- واتیکا (Bresciani, 2002, 171.)

۳.۱۰. معبد هیبیس

احتمالاً پس از مسافرت داریوش اول به منطقه واحه الخارقه، دستور ساخت و ساز بناهای مذهبی از جمله معبد بزرگ هیبیس را صادر کرده است. امروزه با تحقیقات محدود باستان شناسی دوره هخامنشی در مصر یکی از اثرهای مهم معماری که بتوان در زمره بناهای مهم این دوره در مصر نام برد، معبد هیبیس می باشد، که توسط داریوش در واحه بزرگ الخارقه در جنوب غربی تب که امروزه لکسور (Luxor) ساخته شده است. ساختمان معبد هیبیس که در محل مقبره قدیمی آمن ساخته شده و اکنون به نام معبد هیبیس معروف شده است. ساخت این معبد تقریباً ۲۰ سال از ۵۱۰ تا ۴۹۰ ق.م در دوره سلطنت داریوش اول طول کشیده است. داریوش اول با ساخت این معبد نقش برجسته های با صحنه های مختلف از جمله انجام مراسم عبادی سنتی مصریان و تغذیه شدن به دست خدایان مصری را به نمایش گذاشته است [ولایتی، ۱۳۸۳: ۲۰۵]. در این ارتباط بر روی دیوار معبد هیبیس چنین حک شده بوده است: داریوش دستور داد برای بزرگداشت خدایان مصری یک معبد مجلل و باشکوه را بسازند. این بنای مذهبی که در واحه الخارقه دور از مراکز بزرگ مذهبی واقع شده، به نحو جالب توجهی تنها اثر مذهبی بزرگ اواخر دوره متأخر تاریخ مصر است که در مصر تا زمان ما سالم به جا مانده است. بر اساس نظر کانیتس (Kienitz): داریوش برای حمایت از معابد

حداقل بخشی از درآمد را به معابد مصر بازگردانده، و این سیاست در ساختمان معابد مصری داریوش هم مفهوم خود را پیدا کرد. کار اصلی او ساخت معبد بزرگ آمونت (Amont) در واحه الخارقه مصر بوده است. معبد آمون در واحه الخارقه احتمالاً در دوران سائیت ها ساخته شده و در زمان داریوش اول و دوم تزیین شده است. در نمای معبد شکل اولیه یک پارنوس (Pronos) راهرو ستون دار مستقف با چهار ستون که پایپروس به آنها پیچیده شده و قفسه های دیواری در آن وجود دارد. اتاق قربانی با مکان مقدس الهه و فضاهای جانبی با یک پلیکان قرار دارد. اینها به فضاهای اجرای مراسم مذهبی در طبقه فوقانی ارتباط پیدا می کند. معبد هیبیس که با سنگ ماسه اجرا شده است اثری از دوره هخامنشی در مصر است که در نتیجه اقامت داریوش در واحه ال خارقه در سال ۴۹۶ ق.م ساخته شده است. این معبد ۴۴ متر طول و ۱۹ متر عرض دارد: اتاق ها براساس الگوی معابد مصری ساخته شده اند. (تصویر ۱۰) [ولایتی، ۱۳۸۵: ۲۰۴]



تصویر ۱۰. تصویر طراحی شده معبد هیبیس در واحه الخارقه (D.Arnold, 1994, 49.)

۴. مهم ترین یافته های باستان شناسی مصری موجود در ایران

۴.۱. مجسمه داریوش اول کشف شده از شوش

در سال ۱۳۵۱ در حفاری هیات باستان شناسی فرانسوی در کاخ آپادانای شوش، مجسمه ای بدون سر از داریوش پیدا شد که روی این مجسمه کتیبه های به خط میخی (پارسی، عیلامی، و بابلی) و همچنین کتیبه ای به خط هیروگلیف از زبان داریوش حکاکی شده است. ارتفاع مجسمه ۲/۳۶ متر بوده که این پیکره نمونه ای استثنایی از تندیس های بزرگ هخامنشی است. مجسمه داریوش تا حدی به عنوان پیکره ورودی با کارکردی همانند مجسمه های گاو بر دروازه ملل در تخت جمشید مورد استفاده قرار گرفته است [ولایتی، ۱۳۸۵/۲: ۱۶۶]. مجسمه لباس ایرانی بلندی به نام کندی با آستین های گشاد به تن دارد. پای چپ مجسمه همانند مجسمه های مصر قدیم و نیز یونان به جلو گذاشته شده است. دست راست پایین افتاده، دست چپ روی سینه قرار دارد و شکوفه گل لتوس را که بخش اعظم آن ریخته نگه داشته است. زیر دست، خنجر مزین بزرگی دیده می شود که به طور اریب در کمر بند بسته قرار گرفته است. با چین هایی بر لباس که با شکل صاف آستین ها هماهنگی دارد، از صفات ویژه آن محسوب می شود. به عقیده اچ. لوشی مجسمه داریوش از نظر ظاهر با سنت مجسمه سازی پادشاهان مصر قابل مقایسه است. به عنوان مثال با مجسمه برنزی پادشاه نکو دوم قابل مقایسه می باشد. در چین هایی عمودی لباس مجسمه داریوش، کتیبه هایی به چهار زبان کنده کاری شده که با دو نوع خط نوشته شده اند: خط میخی و خط هیروگلیف. کتیبه سه زبانه پارسی قدیم، ایلامی و آکدی روی لباس نام پادشاه را ذکر می کند. روی پایه به خط هیروگلیف مصر، مناطق قلمرو جغرافیای بزرگ

ایران در دوره هخامنشیان ثبت شده است. به دستور داریوش این مجسمه از سنگ خاکستری تیره و در مصر تهیه شده سپس به ایران انتقال یافته است. [همان]



تصویر ۱۱. مجسمه داریوش موزه ملی ۱۳۸۰



تصویر ۱۲. تصویرکتیبه های روی لباس مجسمه (Mysliwiec, 1998, S. 192.)

۴.۲. یافته های باستان شناسی مصری از کاخ داریوش در شوش

در زمان داریوش علاوه بر توسعه و گسترش کاخها در محوطه پاسارگاد، مقرر هخامنشیان، پروژه ساختمانی دیگری نیز در سرزمین پارس غربی (خوزستان) آغاز شد که برای اجرای آن از متخصصان و اهل فن سراسر قلمرو هخامنشی و ساتراپی ها دعوت به عمل آمد. [Sternberg 2000, 155] درباره اولین پروژه معماری ساخت کاخ داریوش در شوش در کتیبه ای از داریوش درباره آغاز مقدمات بنای کاخ داریوش گزارش می دهد. بر اساس این کتیبه ما به چگونگی ساخت و تجهیز پرزرق و برق و باشکوه قصر داریوش در شوش پی می بریم. برای این منظور نه فقط مواد و لوازم از کلیه ساتراپی های امپراطوری هخامنشی فراهم شده، بلکه صنعتگران متخصص نیز از سراسر امپراطوری به پارس فراخوانده شدند [H.Koch. 1993, 78].

۴.۳. مهرهای سوسکی مصری

یکی دیگر از یافته های باستان شناسی مصری در ایران عبارت است از مهرهای سوسکی به دست آمده از دشت قزوين که نشانگر تأثیر هنری مصری در ایران و استفاده از این نوع مهره ها در دوره هخامنشیان می باشد. قدیمی ترین اثر حضور هخامنشیان در تپه سگزآباد یک مهر سوسکی شکل از جنس بدل چینی بوده، که از طبقه ۱۲ استقرار این تپه به دست آمده است. به نظر مؤلف مقاله از هیچ یک از کاوش های انجام شده چنین موردی گزارش نشده است. مهرهای سوسکی شکل ابتدا در مصر باستان مورد استفاده قرار می گرفت و سپس به مناطق مجاور تحت نفوذ فرهنگی مصر از جمله سواحل شرقی دریای مدیترانه و سوریه و همچنین آناتولی و یونان وارد شده است [ملک شه میرزادی، ۱۳۷۸: ۷۳]. (تصاویر ۱۳ و ۱۴)



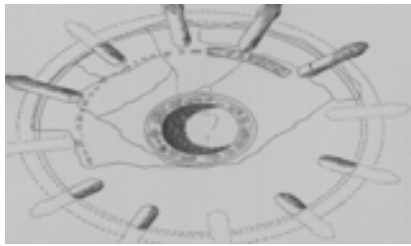
تصویر ۱۴. تصویر مهره سوسکی شکل هخامنشی کشف شده از تپه سگز آباد. ملک شه میرزادی ۱۳۷۸



تصویر ۱۳. یافته های باستان شناسی مصری از کاخ داریوش در مصر (Sernberg, 2000, 156)

۴.۴. ظروف کتیبه دار هیروگلیفی کشف شده از تخت جمشید

از دیگر یافته های مصری از ایران ظروف کتیبه دار هیروگلیفی کشف شده از تخت جمشید می باشد. این ظروف با کتیبه هیروگلیفی روی آنها، نشان دهنده فرهنگ مصری است در محوطه تاریخی تخت جمشید مورد استفاده قرار می گرفته است. تمامی ظروف کتیبه دار این گروه از ویرانه های خزانه تخت جمشید یافت شده است. نام تنها پادشاه هخامنشی که بر روی این ظروف بخط هیروگلیف نوشته شده، نام خشایار شاه است. هیچکدام از ظروف دوران خشایار که از تخت جمشید به دست آمده، القاب کامل مصری که بر روی کلیه ظروف معروف دوران داریوش وجود داشته و دارای منشاء دیگری هستند، ندارند. این القاب فقط بر روی ۵ لی ۶ ظرف مربوط به دوران خشایار که در شوش پیدا شده اند، یافت می شوند. نوشته استاندارد این گنجینه ظرف سفالی به چهار زبان پارسی باستان، ایلامی و بابلی به خط میخی و هیروگلیف مصری حکاکی شده است (تصاویر ۱۵ و ۱۶). [Schmidt, 1953, 62].



تصویر ۱۵ و ۱۶ تصویر ظرف کتیبه دار هخامنشی به دست آمده از تخت جمشید (E.F.Schmidt, 1957, S.83)

۴.۵. یافته های کوچک باستان شناسی مربوط به فرهنگ اعتقادی و هنری مصری

۱. چشم اوجات و سر بس یا همان تصاویری از خدای بس است. با توجه به کاربرد و استفاده این اشیا به عنوان طلسم در محوطه تخت جمشید، نشانگر تأثیر فرهنگ و هنر مصر در ایران دوران هخامنشی بوده است. (تصویر ۱۷)

۲. سر خدای بس به عنوان یکی از انواع طلسم در فرهنگ مصر مکشوفه از حفاری های تخت جمشید: مجسمه سر خدای بس به عنوان یکی از اشکال مستقل طلسم ابتدا در دوره سلسله هجدهم مشاهده می شود. این شی که یکی از انواع طلسم با جزییات کمتر است، یکی از نوآوری های دوره میانی محسوب می شود. بس پیکری کوتاه دارد، چهره او که اکثراً با ریش نشان داده می شود، اغلب زشت و مهیب است و حتی حالت های مانند شیر دارد و معمولاً تمام رخ و از روبرو نشان داده می شود. (تصویر ۱۸) [ولایتی، ۱۳۸۵: ۲۰۰]

۳. سر گاو مفرغی با کتیبه هیروگلیف مصری کشف شده از تخت جمشید: این گاو مفرغی با شکلی عجیب در سال ۱۹۴۲ در محدوده آپادانای داریوش اول در تخت جمشید کشف شده. این یافته باستان شناسی بدون شک از مصر آمده است و احتمال دارد در جریان لشکرکشی هایی به این کشور توسط پارس ها در زمان کمبوجیه، به ایران آورده شده است. این اثر متعلق به سلسله بیست و ششم مصر (۶۶۴-۵۲۵ ق. م) بوده است. (تصویر ۱۹) [زایبل، ۱۳۸۰، ۲۴۳].



تصویر ۱۹. سر گاو با کتیبه هیروگلیفی مکشوفه از تخت جمشید (زایبل، ۱۳۸۰)

تصویر ۱۸. سر خدای بس مصری مکشوفه از تخت جمشید (زایبل، ۱۳۸۰)

تصویر ۱۷. چشم اوجات یکی از شناخته شده ترین نمادهای مصری (زایبل، ۱۳۸۰)

نتیجه گیری

در این مقاله با بررسی پیشینه و سابقه پژوهش های باستان شناسی دوره هخامنشیان در مصر، و مطالعه نتایج این تحقیقات در رابطه با یافته های فرهنگی از این دوره در مصر و ایران که تعداد آنها هر روز بیشتر از قبل در نمایشگاه ها و موزه های بزرگ معرفی و به نمایش گذاشته می شود. چنانچه جی. پوزنر فرانسوی برای اولین بار در کتاب خود تعداد ۱۰۷ مورد از این اشیاء فرهنگی را معرفی می نماید. همچنین بر اساس تحقیقات باستان شناسی جدید در دوره متأخر تاریخ مصر نمونه های دیگری از این آثار و اشیای تاریخی در رابطه با دوره هخامنشیان از معبد و اثر معماری تا اشیای کوچک باستان شناسی معرفی شده است. از طرف دیگر طبق پژوهش های باستان شناسی انجام شده در ایران آثار و اشیاء زیادی که تحت تأثیر فرهنگ و تمدن مصر بوده، و از محوطه های باستانی مانند تخت جمشید، شوش و غیره به دست آمده است. این داده های باستان شناسی نشان دهنده تأثیر شدید فرهنگ و تمدن مصر را در ایران دوره هخامنشی نشان می دهد. بنابراین بر اساس مطالعه این نمونه ها، و یافته های باستان شناسی، تأثیرات فرهنگی و هنری متقابل دو تمدن ایران و مصر قابل ملاحظه است. شاید در رابطه با مصداق های تأثیرات فرهنگی و هنری مصری در ایران موارد زیر قابل اشاره باشد.

۱. معماری: استفاده از درگاه های کنگره دار تزئینی مصری در تخت جمشید پس از فتح مصر و با استفاده از معماران و کارگران فنی و مصالح وارداتی مورد استفاده قرار گرفته، تأثیر فرهنگی هنری در رابطه با معماری مصری در ایران دوره هخامنشی را به نمایش می گذارد. حتی بنا به نظر اریک اشمیت حفار تخت جمشید ساخت این مجموعه تقلیدی بوده از معماری معبد هیبیس در واحه الخارقه مصر. در نتیجه ویژگی های معماری تخت جمشید با ویژگی های معماری معبد هیبیس قابل مقایسه می باشد. چنانچه در تزئین و دکوراسیون بناها و کاخ های هخامنشی بعد از فتح مصر شیوه و سبک تزئینی مصری بر اساس یافته های باستان شناسی در ایران رونق داشته است. چنانچه حفاران کاخ داریوش در شوش آثار و اشیای تزئینی کوچک مصر زیادی را که در دکوراسیون این کاخ ها مورد استفاده قرار گرفته است را معرفی می نمایند.

۲. مجسمه سازی: مجسمه داریوش کشف شده از شوش نمونه منحصر بفرد تقلیدی است از مجسمه سازی مصری، که در ابعاد مختلف از جمله معرفی ملل بیگانه در داخل کارتشه و استفاده از کتیبه های هیروگلیفی و غیره قابل مقایسه است. این مجسمه با ادغام هنر و فرهنگ ایران و مصر طراحی و در خود مصر ساخته شده و سپس از طریق کانال سوئز به ایران منتقل شده است. بر اساس نظر محققین مرتبط مجسمه داریوش با مجسمه برنزی نکو دوم فرعون مصر (۶۱۰-۵۹۵) قابل مقایسه است.

۳. یافته های کوچک باستان شناسی: استفاده از ظروف سنی مرمری یا سفالی بزرگ با کتیبه های هیروگلیفی که برای ذخیره آب و مواد غذایی مورد استفاده قرار می گرفتند. تأثیر فرهنگ و هنر مصر را در این دوره به نمایش می گذارد. بر اساس تجزیه و تحلیل داده های باستان شناسی دوره هخامنشی در ایران و مصر این نتایج قابل استخراج است: بعد از فتح مصر و اداره آن به عنوان یک ساتراپی هخامنشی شیوه ها و سبک های فرهنگی و هنری مصری در ایران بسیار رایج شده، و در بیشتر آثار مکشوفه از ایران و مصر، کتیبه های هیروگلیف در کنار سایر انواع خط های رایج این دوره مورد استفاده قرار گرفته است. نتیجه نهایی اینکه بر اساس تجزیه و تحلیل یافته های باستان شناسی تأثیر پذیری و الگوبرداری دوره هخامنشی از شیوه ها و الگوهای هنری و فرهنگی مصری نسبت به سایر ساتراپی ها بیشتر بوده است.

فهرست منابع

- بریان، پیر. ۱۳۷۸. **امپراتوری هخامنشی**. ت: مهدی سمسار، نشر زریاب، تهران
- بریان، پیر. ۱۳۸۱. **امپراتوری هخامنشی**. ت: ناهید فروغان. نشر قطره و فرزانه. تهران
- بیانی، شیرین. ۱۳۸۱. **تاریخ ایران باستان ۲**. نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت). تهران
- داندامایف، آ. محمد. ۱۳۸۱. **ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی**. ت: روحی ارباب. نشر علمی فرهنگی. تهران
- داندامایف، آ. محمد. ۱۳۸۱. **تاریخ سیاسی هخامنشیان**. ت: خشایار بهاری. نشر کارنگ. تهران
- رجیبی، پرویز. ۱۳۸۰. **هزاره های گمشده (جلد دوم)**. نشر توس. تهران
- رواسانی، شاپور. ۱۳۷۰. **جامعه بزرگ شرق**. نشر شمع. تهران
- زاپیل، ویلفرید. ۱۳۸۰. **هفت هزارسال هنر ایران**. موزه ملی ایران. تهران
- ژان، ژرژ. ۱۳۸۲. **تاریخچه مصور الفبا و خط**. ت: اکبر تبریزی. نشر شرکت علمی و فرهنگی. تهران
- سامی، علی. ۱۳۳۳. **پارس در عهد باستان**. چاپخانه موسوی. شیراز
- فرای، ریچاردنلسون. ۱۳۸۰. **تاریخ باستانی ایران**. ت: مسعود رجب نیا. شرکت علمی و فرهنگی. تهران
- کالیکان، ویلیام. ۱۳۸۴. **باستان شناسی و تاریخ هنر در دوران مادها و پارسیها**. ت: گودرز اسعد بختیار نشر موسسه. پازینه
- کورت، آملی. ۱۳۷۹. **هخامنشیان**. ت: مرتضی ثاقب فر انتشارات ققنوس. تهران
- گرشویچ، ایلیا. ۱۳۸۵. **تاریخ ایران**. ت: مرتضی ثاقب فر. نشر ققنوس. تهران
- گیرشمن، رومن. ۱۳۴۴. **ایران از آغاز تا اسلام**. ت: محمد معین. نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران
- لوکوک، پی. ۱۳۸۲. **کتیبه های هخامنشی**. ت: نازیلا خلخالی. نشر فرزانه. تهران
- ماری کخ، هاید. ۱۳۷۶. **از زبان داریوش**. ت: پرویز رجیبی، نشر کارنگ. تهران
- ماری کخ، هاید. ۱۳۷۹. **پژوهش های هخامنشی**. ت: امیر حسین شالچی. نشر آتیه. تهران
- محمد پناه، بهنام. ۱۳۸۵. **اسرار تمدن مصر باستان**. نشر انتشارات سبزان. تهران
- ملک شه میرزادی. ۱۳۷۸. **مهرهای سوسکی مصری**. مجله باستان شناسی و تاریخ. شماره ۱۳-۱۴. تهران
- ولایتی، رحیم. ۱۳۸۳. **معبد هیبیس یادگار معماری هخامنشیان در مصر**. مجله اثر، ش: ۳۶ و ۳۷. تهران
- ولایتی، رحیم. ۱۳۸۵. **بررسی تأثیر هنر مصر در دوره هخامنشیان**. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. تهران
- ولایتی، رحیم. ۱۳۸۵/۲. **معرفی قلمرو هخامنشیان بر اساس نقشه های ملل**. مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، نشر سازمان میراث فرهنگی ایران، تهران
- هرتسفلد، ارنست. ۱۳۸۱. **ایران در شرق باستان**. ت: همایون صنعتی زاده. ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه شهید باهنر کرمان
- هرودوت. ۱۳۳۹. **تاریخ هرودوت**. ت: هادی هدایتی. نشر دانشگاه تهران. تهران
- هینتس، والتر. ۱۳۸۰. **داریوش و پارسیها**. ت: عبدالرحمن صدریه، نشر امیرکبیر. تهران
- Hartwig Altenmüller, (1982) *Das Menschenbild im Alten Ägypten, Porträts aus vier Jahrtausenden*, Hamburg 19-20
- Bresciani, Edda (1965) *Ägypten und Perserreich*, in Fischer Weltgeschichte Hamburg.-
- Burchardt, Max (1911) *Datierte Denkmäler der Berliner Sammlung aus der Achämenidenzeit*, In *Zeitschrift für Ägyptische Sprache und Altertumskunde*, 49, 69-80
- Freiherrn, W (1935-1936) *Geschnitzter Holzarg persischer Zeit aus Ägypten*. Archiv für Orientforschung, Internationale Zeitschrift für die Wissenschaft vom Vorderen Orient, 10, 133-140

- Grop, Gerd (1990) Ein Porträt des Königs Darius I. im Hibis- Tempel, Ägypten, Das Bildnis in der Kunst des Orients ; Abhandlungen für die Kunde des Morgenlandes, Stuttgart
- Grop, Gerd (1993) Zarathustra und die Mithras- Mysterien, Katalog der Sonderausstellung des Iran Museum Rade, Reinbek bei Hanburg, Bremen-
- Helck- Wolfgang und Westendorf, Wolfhart (1984) Lexikon der Egyptology, Pyramidenbau- Steingefäße, Otto Harrassowitz. Wiesbaden, 5 -
- Hinz, Walther (1976) Darius und die Perser, Eine Kulturgeschichte der Achämeniden, Baden-Baden
- Holladay, John S. Jr, (1982) Cities of the Delta Part III Tell El-Maskhuta, U.S.A
- Jacobs, Bruno (1987) Griechische und persische Elemente in der Grab Kunst Lykiens zur Zeit der Achämeniden Herrschaft. Jonsered..
- Jacobs, Bruno (1994) Die Satrapien Verwaltung im persisch Zur Zeit Darius III, Wiesbaden
- Kaiser, Werner (1970) Stadt und Tempel von Elephantine Erster Grabungsbericht Mitteilung Deutsche Archäologisches Institut Kairo, 26, 93-97
- Kaiser, Otto (1985) Texte aus der Umwelt des Alten Testaments
- Heidmarie Koch, (1988) Persien Zur Zeit des Darius. Das Achämenidenreich im Lichte neuer Quellen, Marburg
- Koch, Heidmarie (1993) Es kündigt Darius der König Vom Leben im persischen Großreich für Kulturgeschichte der Antiken Welt Band 55, Mainz-
- Heidmarie Koch (2001) Persepolis. Glänzende Hautstadt des perserreichs, Sonder Bände der Antiken Welt, Zaberns Bildbände zur Archäologie, Mainz
- Lukonin, Wladimir (1986) Kunst der alten Iran, Leipzig
- Luschey, Heinz (1976) Kunst, Kultur und Geschichte der Achämenidenzeit und ihr Fortleben, Akten des VII. Internationalen Kongresses für iranische Kunst und Archäologie, archäologische Mitteilungen aus Iran 6,
- (MDAIK) (1970) Mitteilung Deutsche Archäologischen Institut in Keiro 46-49
- (MDAIK) (1970) Mitteilung Deutsche Archäologisches Institut Kairo, 46, 93-97
- Meyer, Eduard (1912) Der Papyrusfund von Elephantine, Dokumente einer jüdischen Gemeinde aus der Perserzeit und das älteste erhaltene Buch der Weltliteratur, Leipzig-
- Müller-Winkler, Claudia Müller-Winkler (1987) Die Ägyptischen Objekt-Amulette, Göttingen.
- Mysliwiec, Karol (1998) Herr Beider Länder: Ägypten im 1. Jahrtausend v. Chr Mainz.
- Petrie, W.M.F. (1936) Shabtis, London, -580-603
- Posener, G (1936) Premiere Domination Perse En Egypte, Recueil D, inscriptions-Hieroglyphiques, LE GAIRE, IMPRIMERIE DE L'INSTITUT FRANCAIS
- Ray J.D. (1992) Egypt 525-404 B.C. in Cambridge Ancient History, IV Cambridge
- Roaf, Michael. (1991) Mesopotamien, Weltatlas der alten Kulturen, München
- Schulman, Alan R. (1981) In (Bulletin of the Egyptological Seminar 3, 103-111
- Schmidt, Erich F. (1953) Persepolis I, Structures. Reliefs. Inscriptions. The University of Chicago Oriental Institute Publications, Chicago, Illinois-
- Schmitt, Rüdiger (2001) Eine weitere Alabaster- Vase mit Artaxerxes- Inschrift, Archäologische Mitteilung aus Iran und Turan, 33, 191-201
- Seipel, Wilfried. (1996) Wehrauch und Seide. Wien.: 220-395
- Sternberg, H. (2000) el- Hotabi, Perserzeitliches Ägypten, Politische und sozio- ökonomische Strukturen im Perserzeitlichen Ägypten : neue Perspektiven, In Zeitschrift Ägyptische Sprache und Altertumskunde, 127, 153-167
- Taylor, J.H. (1989) Egyptian Coffins, Aylesbury, 56-62 Treffer/Eigl Günte Treffer/Kurt Eigl, Ägypten/ und Sudan, Wien München
- Uribe, Eugene Cruz, (1987) Hibis Temple Project; Preliminary Report, 1985-1986 and Summer 1986 Field Seasons, Varia Egyptiaca San Antonio, 3, December, 215-230
- Winlock, Herbert Eustis (1941) The Temple of Hibis in el-Khargeh Oasis, The Metropolitan Museum of Art Egyptian Expedition-New York
- Wijngaarden, W.D. Van. (195) Der Hibistempel in der Oase El-Chargeh In Zeitschrift Ägyptische Sprache und Altertumskunde, 79, 4, 68-72
- Wolfgang, Helck und Westendorf, Wolfhart (1984) Lexikon der Egyptology, Pyramidenbau- Steingefäße, Otto Harrassowitz. Wiesbaden, 5 -